

شماره

۲۶

دوشنبه 21 فروردین 1385

Monday 10 April 2006

نشریه کمیته بین المللی علیه اعدام

# علیه اعدام



ملاری بجرم حراست از جان دختر نوجوانش به مرگ محکوم میشود!!

مصاحبه سیوش دانشور با دختر فاطمه حقیقت پژو؛ زهرا

**شرایط معاش برای شما چگونه است و در حال حاضر با چه کسی زندگی میکنید؟**

من با پدر بزرگ و مادر بزرگ و خواهر کوچکترم زندگی می کنم و به دلیل اینکه پدر بزرگم باز نشسته است ما مجبوریم برای آشنایان مادر بزرگم سبزی خورد کنیم و یا پیاز سرخ کنیم ، شرایط دشواری است و من در وضعیت

صفحه ۳

حکم هنوز ابلاغ نشده اما من او آخر اسفند ماه توسط یکی از وکلای دادگستری متوجه شدم که شعبه 2 تشخیص حکم اعدام مجددا تائید شده است و مادرم چهارسال نیم است که در زندان به سر میبرد .

**آیا اگر خانواده شاکمی رضایت دهند مشکل یا به نوعی مسئله حل میشود؟**

بله ، مادرم بعد از طی هفت سال زندانی میتواند آزاد شود ولی آنها رضایت نمی دهند.

**لطفا خودتان را معرفی کنید و از شرایط مادرتان بگویند؟**

من زهرا حقیقت پژو هستم و مادرم به جرم قتل محکوم به اعدام است و در شرایط کنونی در زندان به سر می برد ، او شرایط روحی خوبی ندارد از بیماری روحی رنج میبرد .

**مادر شما چند وقت است که در زندان به سر میبرند و شما کی متوجه ابلاغ حکم شدید؟**

فاطمه حقیقت پژو فقط چند روز تا اعدام فاصله دارد



بابک شدیدی

توسط دیوان عالی جمهوری اسلامی تائید جمهوری اسلامی شد اما به دلیل حمایت های مجامع و نهادهای مدافع حقوق بشر و کمیته بین المللی علیه اعدام جلوی اعدام او گرفته شد و نور امیدی در دل فاطمه و دخترش ایجاد شد تا شاید که ادامه ی این تلاش ها او را برای همیشه از اعدام نجات دهد. اما در سایه سیاست های زن ستیزانه جمهوری اسلامی و همچنین وجود احکام مذهبی و ارتجاعی در دستگاه قضائی جمهوری اسلامی در این 9 سال نه تنها هیچ گونه تغییری در حکم اعدام فاطمه ایجاد نشد بلکه یک بار دیگر حکم اعدام او به تایید دیوان عالی رسیده و اکنون او فقط چند روز تا اعدام فاصله دارد

صفحه ۲

اعدام! کار روزانه شان شده، تفریح است برای این خون خواران. وقتی انسان ها روزهای تعطیل شان را کنار گل می گذرانند، گفتارهای پیر جمهوری اسلامی با نمایش مرگ استراحت می کنند با گرفتن جان نشاط می یابند، با بریدن سر لذت می برند. فاطمه حقیقت پژو زنی است که 9 سال است به اتهام قتل همسر معتادش در یکی از زندان های جمهوری اسلامی بسر می برد. او پس از دستگیری و اعتراف به قتل همسر صیغه ای و معتاد خود از سوی شعبه ی 1601 دادگاه جنایی تهران به اعدام محکوم شد. در سال 81 یک بار حکم اعدام فاطمه توسط

## مجازات اعدام: واقعیتها؟



علی جوادی

قسمت اول

صفحه ۴

مجازات اعدام" مسئله ای زمینه می گوید: "مجازات مهم و حساس در جامعه اعدام باید فوراً لغو گردد. است. کمتر کسی است که اعدام یا هر نوع مجازات در قبال این مسئله بحثی حاد و یا موضعی قاطع نگرفته باشد. حزب ما هم، حزب کمونیست کارگری ایران، در برنامه اش برای "یک دنیای بهتر" در بخش موازین اجتماعی و فرهنگی مدرن و پیشرو در این

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در تظاهرات روز  
دوشنبه 10 آوریل  
ساعت 3 بعد از  
ظهر

در مقابل پارلمان  
سوئد شرکت کنید!

کمیته بین المللی  
علیه اعدام  
استکھلم

20060405

منوچهر ماسوری

## جمهوری اسلامی قصد اعدام ولی الله فیض مهدوی و فاطمه حقیقت پژوه را دارد!

جوخه اعدام بسپارد. این عین جنایت علیه بشریت است که قربانیانی چون کبرا رحمانپور و فاطمه به عوض حمایت، به اعدام محکوم شوند.

رادیوهای محلی به زبان فارسی، فرستادن نامه اعتراضی برای جلب حمایت به اعضای پارلمان و اتحادیه ها و سازمانهای مدافع حقوق بشر در سوئد، زده است. همچنین روز دوشنبه دهم آوریل، مردم معترض به اعدام ها در ایران، و ما در مقابل پارلمان سوئد دست به اجتماع خواهیم زد.

مردم آزاده و انسان دوست، باید دست در دست هم و با قدرت

جدید قرار گرفته است. اکنون زنی برای دومین بار در آستانه ی اعدام قرار گرفته که در واقع جرمش نگه داشتن دختر 15 ساله اش در برابر مردی متجاوز معتاد مردی که حتی دختری را که به او هیچ تعلقی نداشته را در قمار باخته است. شوهر او قصد تجاوز به دختر 15 ساله فاطمه که حاصل از دواج اولش بود، را

از صفحه ۱

خطر اعدام ولی الله فیض مهدوی، زندانی سیاسی که بجرم همکاری با سازمان مجاهدین خلق ایران، دستگیر شده را تهدید می کند. بعد از اعدام حجت زمانی موجی از نگرانی خانواده های زندانیان سیاسی، از جمله خانواده مهدوی، خالد هردانی، سعید ملسوری و دیگران را دربر گرفت. حال بعد از علنی شده خطر اعدام ولی الله فیض مهدوی، یکبار دیگر نگرانی گسترده ای خانواده های زندانیان سیاسی را دربر گرفته است.

## از صفحه در راه صلح



سن چهار سالگی با شوهر  
سی ساله عروسی  
کرده بعد از سالها لت و  
کوب و صد ها جراحت در  
بدن کوچکش از خانه  
شوهر فرار نموده فعلاً در  
یک یتیم خانه کابل با اندکی  
مهر و محبت آشنا شده



آب جوش موهای گلنومه را  
برده است



و تحمیل احکامی متحجرانه و همچنین با به اجرا درآوردن سخت ترین مجازات ها از جمله سنگسار و اعدام در ملاء عام همیشه انسان ها را به سختی آزار داده است. اعدام شنیع است. ضد انسانی است. شایسته جامعه انسانی نیست. ما ضد اعدام ایم، ضد هر نوع اعدام و اعدام هر کسی هستیم نمیخواهیم در جامعه ای زندگی کنیم که هیچ انسانی بیجان شود، کشته شود، اعدام شود

مردم آزاده و انسان دوست، باید دست در دست هم و با قدرت یکبار دیگر، جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی بکنیم

علیه اعدام و برای حق زندگی صدای اعتراض خود را بلند کنید.

**نامه اعتراضی به پارلمان سوئد، اورپا و سازمان عفو بین الملل همچنین سازمان ملل و تمام مراجع بین المللی ارسال کنید.**

سالهاست که جمهوری اسلامی ارتجاعی جمهوری اسلامی از هر کتالی که برایش مقدور بوده با به تصویب رساندن قوانینی ضد انسانی



سر دبیر نشریه  
بابک شدیدی

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۳۲۶۸۴۱۵۱

فاکس: ۰۰۱۷۳۴۵۳۸۶۱۶۵

ای میل:

babakshadidi@yahoo.com

دبیر کمیته بین المللی علیه اعدام

مینا احدی

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

ای میل:

minaahadi@aol.com

## از صفحه ۱

مناسبی برای تحصیل ندارم درخصوص ملاقات مادرم هم میتوانم هر دو هفته یکبار او را ببینم.

**مسئله اعدام مادر شما در رسانه های دنیا مطرح شده است از مردم دنیا چه انتظاری دارید؟**

من انتظار دارم که اینگونه صدای مابه گوش آنها برسد ، مردم از ما پشتیبانی و حمایت کنند تا مادرم را ببخشند چون گناهی مرتکب نشده که استحقاقش اعدام باشد .

**آیا مادر شمارا به جرم قتل محاکمه کرده اند؟**

بله **ولی شما فکر می کنید مادرتان جرمی مرتکب نشده است؟**

نه ، و فکر می کردم حالا که این مسئله مطرح شده است در همین جامعه خودمان خیلی ها از ما پشتیبانی کنند چون مادرم کار خلافی نکرده است .

**کمی از پرونده مادرتان برای آنهایی که نشنیده اند توضیح دهید ، چرا مادرتان را دستگیر کرده اند؟**

می ترسم !! شاید خانواده شاکی عصابانی شوند و اصلا رضایت ندهند .

**به هر حال کار به جایی رسیده که حقایق را باید روشن کرد ، به نظر شما حقایق چیست ؟**

درحقیقت مادرم بخاطر دفاع ازمن بخاطر اینکه می خواست از عفت من دفاع کند دچار این مسئله شد و این شد نتیجه اش .

**یعنی کسی میخواست که به شما تجاوز کند؟**

بله ، اون آقا شب آمد سروقت من ، من جیب کشیدم مادرم متوجه شد و تلاش کرد با او صحبت کند و به او گفت که میتواند برود بیرون و کمی قدم بزند ، هوا بخورد تا حالش بهتر

شود و او گفت که بیا من را بکش و راحت کن !!!

**این آقا چه نسبتی با شما دارد ؟**

این آقا همسر دوم مادرم و ناپدری من است .

**این آقا چه وضعیتی داشت آیا مشروب خورده بود و مست بود ؟**

بله او معمولا مشروب میخورد و آن شب هم مست بود .

**یعنی مادر شما میخواست از شما دفاع و حراست کند؟**

بله **دادگاه چه میگوید آیا می گوید که مادر شما نمی بایستی جلوی آن مرد را می گرفت ؟**

مادرم به اعدام محکوم شد و در بیست ونهم مهر قرار بود اعدامش کنند ، آن روز دوفتر را قبل از مادرم اعدام کردند ولی اجرای حکم اعدام مادرم توسط نامه ای از طرف آقای

شاهرودی متوقف شد ، پرونده را به جاهای مختلف از جمله به قم و دیوان عالی برای بررسی مجدد فرستادند و سیزده مورد نقض پیدا کردند ولی نمی دانم چرا دوباره با حکم اعدام موافقت کردند .

**شما در مورد تائید حکم چه فکر میکنید ؟**

درست خبر ندارم ، قم که رفتیم با ما خوب برخورد کردند ولی تهران به دفتر یکی از آقایانی که پرونده زیر دستشان است رفتیم با ما خوب برخورد نکردند و گفتند که ما به خانواده قاتل نمی توانیم جوابی بدهیم .

**وقتی این آقا قصد تجاوز به شما را داشت چند ساله بودید ؟**

شانزده سال داشتم **اگر شما بخواهید یک حقیقتی را به دنیا بگوئید چه میگوئید؟**

آیا جواب و جزای مادری که میخواست از عفت دختر نوجوانش دفاع کند مرگ است که در سن سی و شش سالگی اعدام شود و دخترانش را بی سرپرست

**نه این درست نیست شما واقعا حق زندگی دارید و شما باید زندگی کنید و مادر شما هم حتما می خواسته شما را در آغوش امنیت خودش بگیرد، و هر پدری و مادری در این شرایط حتما دست به هر کاری می زد . گفتید مادر شما مریض است ، شرایط او در زندان چگونه است ؟**

او از بیماری روحی رنج میبرد و تمام پزشکان اوین زیر پرونده او را امضا کرده اند و یکبار هم به دلیل مشکل روده در بیمارستان راجائی شهر بستری شده و روده او را جراحی کرده اند اکنون هم تقاضای اعزام کرده است ولی به او پاسخی نداده اند ولی داروی اعصاب به او میدهند .

**آیا برادر و خواهر کوچکتری هم دارید ؟ در چه شرایطی به سر میبرند؟**

یک خواهر چهارده ساله که در حال حاضر پیش پدرم است و داروی اعصاب مصرف میکند ، او در شرایطی است که به مادر نیاز دارد **مادرتان در این شرایط چه فکری میکند ؟**

اول که حکم اعدامش متوقف شد خیلی امیدوار بود ولی از موقعی که دوباره در روزنامه چاپ شد که حکم او تائید شده است حال خوبی ندارد ، من خیلی نگران او هستم او هرروز تماس می گرفت و تلفنی صحبت میکردیم امروز شش روز است که تماس نگرفته آخرین بار شش فروردین بود **آیا ملاقاتش ممنوع است ؟**

نه ، نمیدانم ، درست نمیدانم چون نه رفتم ، ولی نه هر دو هفته یکبار می بینیم . **خاتم زهرا امیدوارم که مشکل حل شود در کشورهای مختلف**

نه ، نمیدانم ، درست نمیدانم چون نه رفتم ، ولی نه هر دو هفته یکبار می بینیم .

او از بیماری روحی رنج میبرد و تمام پزشکان اوین زیر پرونده او را امضا کرده اند و یکبار هم به دلیل مشکل روده در بیمارستان راجائی شهر بستری شده و روده او را جراحی کرده اند اکنون هم تقاضای اعزام کرده است ولی به او پاسخی نداده اند ولی داروی اعصاب به او میدهند .

**شما نامه ای در روزنامه منتشر کردید که حکم اعدام مادر را متوقف کرده بودند چه نوشته بودید؟**

بیست چهار یا بیست و پنج سال هشتاد و سه کمتر از دوسال پیش بعد از خواندن حکم اعدام از آقای شاهرودی خواستم که اجازه دهد مادرم به زندگی برگردد .

**ختم زهرا حقیقت پژو صدای شما به گوش ایرانیان خارج از کشور می رسد در این هفته در دفاع از مادر شما اجتماعی برگزار میشود و امید وارم که شما از این نگرانی در بیابید و حکم اعدام لغو شود و مادرتان به جمع خانواده برگردد .**

**تلویزیون  
انترناسیونال  
هر شب ساعت  
۸ تا ۹:۳۰  
به وقت تهران**

شخصیات فنی آنتن

Satellite: Telstar  
12  
Center Frequency: 12608  
MHz  
Symbol Rate: 19279  
FEC: 2/3  
Polarization:  
horizontal

**از سایت اینترنتی  
کمیته بین المللی  
علیه اعدام بیدین  
کنید**

**www.adpi.net**



اعدام انسانها... اعدام اندیشه... اعدام عشق... اعدام محبت و اعدام هر چیز و هر کس که نشان از انسانیت دارد بخشی از اهداف غیر انسانی بنیادگرایان اسلامی میباشد... اعدام یکی از صحنه های روزمره و رایج تحت حکومت اسلامی ایران میباشد



## از صفحه ۱

ما، یعنی جنبش کمونیسم کارگری و سیستم فکری ما یعنی مارکسیسم دارد؟ اهمیت سیاسی این بحث در مجموعه دعوای جاری موجود در جامعه چیست؟ حساسیت ما از چه زاویه‌ای است؟ راستش در جواب باید گفت که جان انسانها برای ما عزیز است. یک نفرش عزیز است، جمعی عزیز است و اصلا دعوای ما بر سر سرنوشت و موقعیت و حرمت انسان است. اما انسان در جامعه زندگی میکند و یک پدیده اجتماعی است. در نتیجه مقوله اجتماع وارد معادله میشود. از اینرو دعوای ما بر سر سرنوشت انسان در جوامع کنونی است. کسانی که با برنامه و اهداف ما آشنایی دارند میدانند که ارتقا و بهبود زندگی انسانها، بالا بردن درجه رفاه و حرمت آنها، برابری موقعیت انسانها، رشد خلاقیت و تواناییهای آحاد جامعه و کلا ایجاد جامعه‌ای که این شرایط را تضمین کند، بخشی از اهداف مبارزات اجتماعی ماست. بطور خلاصه باید بگم که اصولا رهایی انسان فلسفه مبارزه سیاسی ماست. ما از فعالیتان اهداف معینی را دنبال می‌کنیم. اساس این هدف، آزادی و رهایی کامل انسان از قید بندهای جوامع

طبقاتی موجود و ایجاد جامعه ای کمونیستی است. اما در این دعوا نفس خود انسان، موجودیت انسان برایمان گرانیهست. سرنوشت انسان و حرمت انسان برایمان عزیز است. این موضع مارکسیسم است. این موضع جنبش کمونیسم کارگری است. در فلسفه اخلاق مارکسیسم زندگی و حیات انسان محترم است. تمام صور حیات موجودات ارزشمند است. مسئله "مجازات اعدام" از اینرو برای ما حائز اهمیت زیادی است. صورت مسئله: مسئله از طرف مدافعین "مجازات اعدام" معمولا اینطوری فورموله میشود که فرد خاطی، یعنی کسی که قانون را، که ادعا میکنند حاصل اراده و توافق جمعی جامعه است، زیر پا گذاشته، یعنی مجرم را باید مجازات کرد. نوع مجازات هم بر مبنای شدت جرم تعیین میشود! می‌گویند "مجازات اعدام" اساسا حق مجرمی است که خطای سنگینی مرتکب شده است! کسی را کشته است، اقدامی برای سرنگونی نظام انجام داده است، جاسوسی کرده است و یا عملی از این نوع انجام داده است. بعلاوه تاریخا هم مجرمین را مجازات کرده‌اند و همه هم قبول دارند که مجرم باید مجازات شود!

بسیاری از فلاسفه بورژوا کرده است؟ "مجازات اعدام" هم این مقولات را تئوریزه کرده‌اند. مثلا کانت تا آنجا پیش رفته که می‌گوید، اصلا مجازات پیش شرط وجود جامعه مدنی است؟ و یا اینکه اگر قرار باشد روزی جامعه مدنی منحل شود قبل از انحلال باید تمام کسانی که در صف اعدام قرار دارند اول اعدام گردند و سپس جامعه منحل شود! همچنین جان استوارت میل گفته، اعدام یکی از اشکال کمتر وحشی مجازات برای جلوگیری از تکرار جرم و است!؟ بهرحال مسئله مجازات اینطور مطرح میشود که با فرد مجرم چه باید کرد؟ و چنین جواب می‌گیرد که باید مجازاتش کرد و به دنبال یک سری اقدامات قضایی و مجازاتی و کلا دستگاههای متفاوت سرکوب نظام موجود، دادگاه و قاضی و دادستان و زندانبان صحنه گردان میدان میشوند. ظاهرا مسئله و جواب مسئله هر دو معین و روشن‌اند! اما در تقابل با این مجموعه و این شکل از فورمولبندی مسئله یک سری سنوالات را باید مطرح کرد. از قبیل اینکه: اصلا جرم چیست؟ چه کسی تعیین میکند که جرم چیست؟ مجرم کیست؟ چگونه تعیین میکنند مجرم کیست؟ کلا چه اقداماتی جرم شناخته میشوند و چه جنایاتی جرم شناخته میشوند؟ بعلاوه هدف از مجازات چیست؟ فلسفه مجازات چیست؟ نوع مجازات را چه کسی تعیین کرده است؟ چه هدفی را دنبال میکند؟ بحث حاضر جوابیست به این سنوالات. نقدی است بر کلیه مفروضات ارائه شده در زمینه مجازات اعدام در جامعه حاضر. بحثی است در نقد جامعه‌ایکه انسان را اعدام میکند. به این اعتبار بحثی است برای بالا بردن خودآگاهی جامعه نسبت به خودش. دفاعیه ای است از حرمت انسان. تلاشی است برای مبارزه با عقب ماندگی و جهالت در جامعه. و بالاخره بحثی است برای بالا بردن ارزش زندگی و اهمیت نفس حیات انسان در جامعه. مجازات: تحولات و تغییرات تاریخی گفتیم که یک سری سنوالات اساسی مطرح است! از جمله اینکه جرم چیست؟ امروز جرم چیست؟ تاریخا چه بوده است؟ در جواب باید گفت اصولا اینکه چه اعمالی جرم شناخته میشوند. چه اقداماتی جنایت قلمداد میشوند. چه جنایاتی جرم شناخته میشوند و چه جنایاتی مجازات میشوند. جملگی تاریخا عوض شده است. واقعیت این است که آستانه جرم و جنایت در طول تاریخ همواره تغییر کرده است و برای تغییر این آستانه مبارزات بسیاری صورت گرفته است. انسانهای بسیاری حتی جان خودشان را از دست داده‌اند. مبارزه برای لغو "مجازات اعدام" هم گوشه ایی از همین تلاشهاست، کوششی در این راستاست. اجازه بدهید این تغییر تاریخی آستانه جنایت و جرم را روشنتر بیان کنم. زمانی زنده به گور کردن زنان به همراه جسد همسرانشان رسم متداول بوده است. زنده به گور کردن فرزندان دختر امر عادی بوده است. "مجازات قربانی اعدام" داشته است. کردن فرزندان مجاز و مقبول بوده است. همانطور که ابراهیم سر پسرش اسماعیل را گذاشت لب سنگ که او را قربانی کند و ظاهرا خیرخواهی بهش گفته باباجان بجای کشتن بچه‌ات این گوسفند را قربانی کن! خدا فقط قصد امتحان کردنت را داشت! زمانی، نه چندان دور، به دار آویختن انسانها به خاطر رنگ پوستشان امری عادی بود و عده‌ای شغل کثیفشان این بود. اینها تماما جنایاتی هستند که تاریخا جرم محسوب نمیشدند. نتیجه اینکه اقداماتی که جرم و جنایت محسوب میشوند همواره در طول تاریخ تغییر کرده واقعتا این است که. مبارزات اجتماعی در برخی از جوامع معاصر نگاه کنید، می‌بینید اقداماتی هستند که آدمها بخاطر ارتکاب به آنها مجازات میشوند که اصلا نباید مجازاتی داشته باشد. مثلا امروز مقاومت در حین دستگیری جرم است. جرم سنگینی هم دارد. آدم کلی در زمان دستگیری و بعد از دستگیری کتک می‌خورد و تازه حکم زندانش هم افزایش پیدا میکند. در طرف مقابل، جنایاتی اما



هستند که مجازاتی ندارند و اصولاً جرم تلقی نمیشوند اما روزانه باعث قتل و کشتار و جهل و عقب ماندگی هزاران هزار انسانند. و مرتکبین به این اعمال راست راست راه میروند و حتی بخشی از به اصطلاح محترمترین افراد جامعه کنونی هم بحساب می آیند. امروز کسی که برتری طلبی طبقاتی، نژادی، جنسی، ملی، قومی و مذهبی را تبلیغ میکند و مردم را با این باورهای کثیف بار می آورد مرتکب جرمی نشده است. این مقولات اصلاً جزیی از کاتاگوری جرائم کنونی جامعه نیست. زن ستیزها، شونیستها و کلا استعمارگران مرتکب جرمی نشده اند. و یا اینکه امروز تهدید بچه ها، ترساندن کودکان جرم محسوب نمیشود. کودک را مرعوب میکنند، می ترسانند و با ترس و ارعاب و بعضاً کتک می خواهند بچه را "تربیت" کنند. کتک و تنبیه اصلاً بخشی از روشهای جاری "تربیت" در جامعه شناخته میشود. بالاخره، یک سری اقدامات هستند که انسانها بخاطر مجازات میشوند بدون اینکه اصلاً مرتکب عملی شده باشند. مثلاً در دنیای کنونی فقر جرم است. فقیر بودن دارای یکی از برزگترین مجازاتها است. فقر مبنای محرومیت از بسیاری مزایای اجتماعی است. امروز به علت فقر آدم را از بهداشت محروم میکنند، بخاطر فقر آدم را از تحصیل و علم محروم میکنند، در فقر آدمها را با بیماریهایی میکشند که مدتهاست نسلشان از بین رفته است. و هزار عمل شنیع دیگر از این نوع که منشا آن به عمل و یا اقدام معینی ربط پیدا نمیکند. بلکه مردمانی فقط بخاطر تعلق به بخش پائینی و فقیر جامعه مجازات میشوند. نتیجتاً اینکه چه عملی جرم است و چه اقدامی جرم نیست مورد بحث و جدل است. بادعوا و زور و کشمکش باید ثابت کرد که فلان عمل معین نباید جرم باشد ولیکن فلان اقدام دیگر جرم است و باید مجازات سنگینی داشته باشد. واقعیت این است که تاریخ مجازات به جامعه موجود به ارث رسیده است، اما این تاریخ در هر دوران بر حسب توازن قوای طبقاتی و مبارزات جنبشهای اجتماعی عوض شده است. در زمینه "مجازات اعدام" هم همینطور است. تاریخاً زمینه هایی که مردم را بخاطرش اعدام کرده اند عوض شده است. اما تاکنون همواره آدمها را اعدام کرده اند. زمانی مردم را بخاطر اعتقاداتشان دسته دسته اعدام میکردند و البته هنوز هم در جوامعی این کار را میکنند. زمانی زنان و مردان را بخاطر هم

بستر شدن و ابراز عشق و علاقه سنگسار و اعدام می کردند، که هنوز هم می کنند. امروز در جوامعی آدم را بخاطر عدم احترام و رعایت منافع ملکه و شاه و یا رئیس جمهور اعدام می کنند. راستش تاریخ تاکنونی جوامع طبقاتی به اعتباری تاریخ اعدام بشر نیز است. ماحصل قضیه این است که در هر دوره بالاخره این طبقات حاکم بوده اند که تعیین کرده اند که چگونه بکشند، کی را بکشند، کی بکشند و طی چه مراسمی بکشند. مجازات و اعدام محصول سیاست طبقه حاکم برجامعه است. گفتم که کاتاگوریهای جرائم و مجازات تاریخاً عوض شده است. اما سؤال این است که تغییر این کاتاگوریها در چه پارامترهایی در جامعه خودش را نشان میدهد؟ اگر بخواهم فقط از یک پارامتر اسم ببرم باید دست روی درجه حرمت انسان در جامعه گذاشت. راستش هر زمان که ارزش و حرمت انسان در جامعه پایین رفته، آدمها را هم گرفته اند، شلاق زده اند، شکنجه کرده اند، کشته اند و اعدام کرده اند. در آلمان هیتلری ارزش آدمها کم شد، آدمها را در کوره آتش سوزاندند، در رواندا دسته دسته با قمه گردن مردم را زدند، در یوگسلاوی فردی و دسته جمعی مردم را کشتند. زمانی ارزش زن در جامعه پایین بود نتیجتاً جنایات وحشیانه ای در حق زنان انجام داده میدهند. اگر امروز در آمریکا آدمها را بخاطر تکه پیتزایی و بر اساس قانون مجازات "سه خط" به حبس ابد محکوم

می کنند، پیش شرطش له کردن حرمت انسان در جامعه است. تهاجم مرتجعین راست در جامعه نیز دقیقاً همین حرمت و ارزش انسان را در درجه اول مد نظر دارد. خلاصه اینکه، میزان انسانی بودن جامعه را اساساً باید با درجه حرمت انسان در جامعه و اقداماتی که برای حفظ و ارتقاء این حرمت انجام میدهند، اندازه گرفت. تلاش ما کمونیستها هم در جامعه از جمله بر سر ارتقاء حرمت انسان است. دلائل زیادی برای اثبات پوچی و نشان دادن توحش نهفته در این نگرش به قضاوت و فلسفه مجازات موجود است. بعلاوه کمتر جرمی است که اساساً مجازات برابری داشته باشد. معادله "جان در مقابل جان" معادله برابری نیست، هیچ اعدامی معادل و برابر با عمل هیچ قاتلی نیست. هیچ قاتل و جنایتکاری به غیر از دولتهای مجری اعدام به قربانی خود زمان وقوع قتل و چگونگی کشتار و مراسم کشتار را از پیش اعلام نمیکند و هر روز فرد را با یادآوری روزهای باقیمانده به وقوع قتل و اعدامش از خواب بیدار نمیکند. بعلاوه مسئله این است که اصلاً انتقام حسی انسانی نیست. این واقعیت سختی است. اما واقعیت است با تمام جوانبش. هدف سیستم قضایی نمیتواند انتقام باشد. انتقام یادگار دوران جهالت بشر است. انتقام کور است.



## کنفرانسی نو روزه و مهم در نقد مذهب

این کنفرانس که از ساعت شش بعد از ظهر روز جمعه ۲۱ آوریل شروع شده و تا ساعت ۴ بعد از ظهر روز شنبه ۲۲ آوریل ادامه خواهد داشت، حضور بهم رسانند.

محل کنفرانس: Johannes str 66  
ساعت ۶ بعد از ظهر روز جمعه ۲۱ آپریل

**کمیته بین المللی علیه سنگسار**

زدایی در جامعه بحث کنند. از جمله سخنرانان این کنفرانس مهم مینا احدی چهره سرشناس منتقد اسلام سیاسی است که در این کنفرانس دو روزه حضور داشته و سخنرانی خواهد کرد. از علاقمندان دعوت میشود که در

سازمانهای ضد مذهبی و آنتیست دعوت شده است که در یک برنامه فشرده دو روزه در مورد رشد مذهب و علل آن، رابطه رشد جریانهای مذهبی و اسلام سیاسی با بحران اقتصادی سرمایه داری و همچنین راههای مقابله با مذهب و مذهب

به دعوت روزنامه "هینتر گروند" و مرکز علوم اجتماعی و بررسی های انتقادی، یک کنفرانس دو روزه در شهر اوزنا بروک آلمان برگزار میشود. در این کنفرانس از چهره های سرشناس منتقد مذهب و فعالین

**سازمانهای آنتیست و منتقد مذهب در آلمان فراخوان یک کنفرانس نو روزه در نقد مذهب و راههای مقابله با رشد مذهب را داده اند. شش سخنران سرشناس و از جمله مینا احدی در این کنفرانس، حضور خواهند داشت.**

**وکیل فاطمه پژوه، گفت از قرار معلوم حکم اعدام فاطمه صادر شده**

دیروز زنگ زدیم به آقای خرمشاهی وکیل فاطمه پژوه، گفت از قرار معلوم حکم اعدام فاطمه صادر شده، اما هنوز ابلاغیه ای برای وکیلش یا دایره اجرای احکام نیامده. گفت همه تلاشش را می کند که فاطمه اعدام نشه. گفت: ولی شاید وقتی حکم را اعلام کردند فرصت زیادی نداشته باشه. خرمشاهی نگران دو تا دختر 14 و 18 ساله فاطمه بود که با سبزی پاک کردن زندگی شان را می گذرانند و می گفت به خاطر آنها هم که شده از هر راهی که ممکن باشه اقدام میکنه. وسط این همه درگیری ذهنی، چهره فاطمه پژوه از جلوی چشمانم کنار نمی ره. حتی نمی تونم تصورش را هم بکنم که فاطمه را به خاطر دفاع از دخترش اعدام کنن. حتی تصورش هم بغض را مهمان گلویم می کنه. یعنی اعدامش می کنن؟



# اخبار اعدام در ایران

چندین حکم مرگ صادر کرد. " **اعدام یک متهم در ملاء عام در آستانه سال نو سخنگوی فرماندهی انتظامی فارس: مردم از اجرای احکام در ملاء عام رضایت دارند!** به گزارش خبرگزاری فارس معاون اجتماعی و ارشاد فرماندهی انتظامی فارس گفت: حکم اعدام فردی که متهم به قتل نفس بود، صبح امروز در جهرم اجرا شد. به گزارش خبرگزاری فارس از شیراز، محمدعلی طباطبائی در جمع خبرنگاران افزود: قاتل مزبور به نام (ح ز) روز سی ام مهر 82 در محله خیرآباد جهرم مبادرت به قتل کرده بود. وی افزود: قاتل که بلا فاصله توسط پلیس دستگیر شده بود، طی این مدت محاکمه و پس از تأیید حکم

مارس ۲۰۰۶ از در خطر بودم جان یک زندانی سیاسی خبر داد. براساس این خبر زندان گوهردشت به طور متناوب به ولی الله فیض مهدوی ۲۸ اتهام هواداری از سازمان مجاهدین خلق به مرگ محکوم شده است، گفته اند وی را در تعطیلات نوروزی به جوخه مرگ می سپارند. ولی الله فیض مهدوی هم اکنون در زندان گوهردشت کرج نگهداری می شود. این گزارش یادآوری می کند که رژیم اسلامی در تاریخ هفت فوریه ۲۰۰۶، زمانی که اعتراضات کارگران شرکت واحد و اعتصابات و اعتراضات کارگری فضای جامعه را احاطه کرده بود و رژیم درگیر بحرانهای فزاینده داخلی و خارجی شد، حجت زمانی را به اتهام عضویت در سازمان مجاهدین به جوخه مرگ سپرد و برای زندانیان سیاسی کرد چندین

**2 تن از متهمان پرونده قتل های محفلی کرمان به اعدام محکوم شدند**

ایسنا - شعبه 103 دادگاه عمومی- جزایی کرمان به ریاست محمدحسین مقبلی در چهارمین برگشت پرونده ی قتل های محفلی کرمان حکم متهمان پرونده را صادر کرد. نعمت احمدی، وکیل مدافع اولیای دم برخی مقتولان پرونده ی قتل های محفلی کرمان با بیان این خبر، به خبرنگار حقوقی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)،

**0 اسفند. صدور حکم اعدام برای یک مرد به اتهام قتل همسرش**

**خطر اعدام جان یک زندانی سیاسی را تهدید می کند \* زندانیان به مهدوی گفته اند وی را در تعطیلات نوروزی به جوخه مرگ می سپارند.**

اطلاعیه ای از سازمان دیده بان حقوق بشر مورخ ۱۵

**مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است**